قنبری: جریان اصلاح‌طلبی پایگاه مردمی محکمی دارد

داریوش قنبری، عضو حزب مردمسالاری معتقد است که جریان اصلاح‌طلبی پایگاه مردمی محکمی دارد و طبقه متوسط جدید که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند در زمره حامیان آنها هستند. وی ادامه داد: جریان اصلاحات از پیش از دوران مشروطه و در دوره‌ای دیگر بعد از جنگ تحمیلی و حدود یک قرن قدمت دارد و در این فرآیند شکل‌های مختلفی به خود گرفته که جریانی نسبتا قوی است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب یادآور شد: جریان اصولگرا، جریان فعال دیگر در کشور است که قدرتمند محسوب می‌شود، اما نه به دلیل اینکه پایگاه اجتماعی دارد بلکه چون اهرم‌ها و ابزار قدرت در اختیار آن است. ایسنا

سرخط خبرها

- **حسن بیادی: بیش از ۵۰ درصد از گروه‌های اصلاح‌طلب با شورای عالی مشکل دارند و بیش از ۷۰ درصد گروه‌های اصولگرا با جمنا. اعتماد** آنلاین
- **حسین نورانی‌نژاد: اصلاح‌طلبان مدام در حال یادگیری هستند و با کسب تجارب‌شان پیش می‌روند آنها طی سال‌های گذشته در روش سیاسی خود بازنگری کرده‌اند.** ایسنا
- **مسعود زریبافان: من شهادت می‌دهم «آقای احمدی‌نژاد ساده‌زیست بود و اهل تجملات نبود»، لکن آقای مشایی رویه‌ای بسیار متفاوت با آقای احمدی‌نژاد داشت و هم خود ایشان و هم حلقه نزدیک به ایشان به هیچ‌وجه مشی ساده‌زیستی نداشتند.** فارس
- **سیدمحمد حسینی: رویکرد جوانگرایی در جبهه مردمی آغاز شده و بهره‌گیری از تجربه پیشکسوتان امری مثبت تلقی می‌شود.** باشگاه خبرنگاران

خبر کوتاه

نخ تسبیح اصلاح‌طلبان

عضو جمعیت زنان نواندیش مسلمان گفت: اصلاح‌طلبان بعد از پیروزی در انتخابات اخیر به فکر بازسازی و رفع مشکلات درون جریان اصلاحات هستند. آنان باید بدانند کلید موفقیت‌شان حفظ انسجام و ائتلاف است. آذر منصوری گفت: مساله اصلی که باید به آن توجه کنیم، حفظ انسجام و اتحاد اصلاح‌طلبان است که جریان اصلاحات هم به این باور رسیده است که باید این مهم در اولویت قرار گیرد. منصوری با اشاره به نقش سیدمحمد خاتمی در انتخابات سال‌های ۹۲، ۹۴ و ۹۶ عنوان کرد: در انتخابات اخیر هم هر زمان اصلاح‌طلبان و جریان سیاسی اصلاح‌طلب از سیدمحمد خاتمی کمک خواستند، ایشان به مدد آمدند. این بی‌انصافی است که بخواهیم نقش آقای خاتمی را به عنوان رهبر جریان اصلاحات و کسی که به مثابه نخ تسبیح جریان آن هم بدون هیچ چشمداشتی ایفای نقش کرده متهم به رابطه مرید و مرادی کنیم. وی یادآور شد: هنر جریان اصلاحات این است که بتواند به موقع در شرایط پیچیده برای خروج از بن‌بست و برای برداشتن یک گام دیگر از همه ظرفیت‌های خود استفاده کند. به هیچ عنوان نباید تصور کنیم که شخصیت‌ها در یک جریان باید کم‌اثر شوند، اصلاحات باید تلاش کند در آینده با کار فکری و برنامه‌ریزی منسجم بتواند چهره‌سازی انجام دهد. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب در پاسخ به این سوال که جریان اصلاحات چه ساز و کاری را باید برای تداوم و بقای خود انتخاب کند، گفت: جریان اصلاحات باید یک سوی فعالیت‌ها و نگاهش به ساختار قدرت باشد و سوی دیگرش به جامعه و اصلاحات جامعه‌محور باشد که این مساله به اعتقاد من شاید در طول یک دهه گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ایلنا

تاسیس حزب پیشروی اصلاحات

علی صوفی، دبیرکل حزب پیشروی اصلاحات درباره فعالیت‌های تشکل متبوعش، اظهار داشت: حزب پیشروی اصلاحات به تازگی مرحله تاسیس خود را پشت سر گذاشته است و ما منتظریم تا پروانه فعالیت را اخذ کنیم. وی گفت: بعد از اینکه اعضای شورای مرکزی فرم‌های خاصی را تکمیل کنند تا با پیوست مدارک به آن برای کمیسیون ماده ۱۰ احزاب ارسال می‌شود. براساس قانون فعلی احزاب بعد از انجام مراحل استعلامی، اگر پاسخ‌ها مثبت بود پروانه فعالیت صادر می‌شود اما براساس قانون جدید که تاکنون اجرا نشده است، دریافت پروانه فعالیت مستلزم این است که ما در ۱۵ استان دفتر داشته باشیم و ۱۵ کنگره ۳۰۰ نفره برگزار کنیم. باشگاه خبرنگاران

بی‌توجهی جمنا به مجوز وزارت کشور

رییس کمیته اقشار جبهه مردمی نیروهای انقلاب از نشست دبیران استانی و کانون‌های اقشار در هفته آتی خبر داد و گفت: جبهه مردمی احتیاجی به مجوز برای فعالیت ندارد. رضا روستاآزاد گفت: هفته آینده جلسه استانی و کانون‌های اقشار جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه برگزار می‌شود. رییس کمیته اقشار جبهه مردمی نیروهای انقلاب، بیان کرد: در این همایش دبیران استانی و دبیران کانون‌های اقشار حضور دارند که با توجه به دور جدید فعالیت‌ها که با تجدید و بهسازی ساختار همراه است، توجیه شوند و فعالیت‌هایی که از قبل انجام می‌شده را با اصلاحات لازم شروع کنند. روستاآزاد درباره اینکه بررسی مجوز فعالیت جمنا در کمیسیون ماده ۱۰ احزاب به کجا رسید، گفت: جبهه مردمی احتیاجی به مجوز ندارد لذا وقتی که یک جبهه پنج حزب مجوزدار در درون آن باشند با مجوز احزاب مشارکت‌کننده به فعالیت می‌پردازد. ایلنا

منکر محدودیت‌های روحانی نیستیم

عبدالله ناصری، فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: من روحانی را سال‌های زیادی است که می‌شناسم و با روحیات وی آشنایی دارم؛ روحانی هر شعار انتخاباتی که می‌دهد الزاما پای آن می‌ایستد. من چنین جمع‌بندی نداشتم اما به هر صورت روحانی نامزد اصلاح‌طلبان بود و انتظارم این بود که کابینه دوم وی دو بخش جوانان و زنان را جدی بگیرد و کوتاه نیاید. وی با اشاره فعالیت‌های انتخاباتی جوانان و زنان افزود: من از نزدیک شاهد بودم که این دو قشر اجتماعی یعنی جوانان و زنان بسیار زیاد برای روحانی مایه گذاشتند. ما گاهی از فعالیت شبانه‌روزی اینها خجالت می‌کشیدیم و فعالیت این دو قشر نسبت به فعالیت ما پیرمردها قابل مقایسه نبود. ناصری با تاکید بر اینکه محدودیت‌های روحانی را نمی‌توان منکر شد، گفت: با این وجود نتوانستم خودم را راضی کنم؛ وزیر زن که تابویش توسط دولت احمدی‌نژاد شکسته شده بود، چرا روحانی در برابرش به این راحتی تسلیم شد؟! مهر

چهره روز

عباس عبدی:

عدم شفافیت و رانت از علل بروز فساد هستند

موفقیت‌های رانتی چند وقتی است که به عنوان یک سوژه مهم در روزنامه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مورد انتقاد قرار می‌گیرد، برخی از آن دفاع می‌کنند و برخی آن را توجیه ناپذیر و آفتی برای ایجاد عدالت در جامعه به حساب می‌آورند. دیدگاه‌هایی نیز مساله سوءاستفاده از موقعیت‌های سیاسی و رانت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اقتصادی را که به دلایلی از جمله انتساب به اشخاص و جریان‌های سیاسی برای صاحبان آنها فراهم آمده است؛ نه از خود اشخاص بلکه به بسترهای ساختاری کشور برای ایجاد و تداوم چنین پدیده‌ای نسبت می‌دهند. عباس عبدی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب عدم شفافیت و ضعف نهادهای نظارتی را از علل بروز فساد و رانت دانست و گفت: ضعف نهادهای نظارتی است اعم از نهادهای رسمی مثل دادگاه، بازرسی‌ها و چه نهادهای نظارتی غیررسمی که مطبوعات، احزاب و سمن‌ها هستند؛ می‌توانند بهترین وجه نظارت را داشته باشند و مانع فساد و رانت شوند. چکیده اظهارات عبدی به شرح زیر است:

- فساد در ایران فقط محدود به وابسته‌های سیاسی نیست بلکه مردم عادی و کارکنان دولت نیز با این مساله درگیر هستند. میان فساد و رانت تفاوت است؛ فساد یک امر غیرقانونی است که جرم محسوب می‌شود، مجازات دارد، اما رانت مساله‌ای است که به ظاهر غیرقانونی نیست اما ظالمانه است. در مورد دانشگاه‌ها نیز این را می‌بینیم که فرزندان هیات‌های علمی از رانت و امتیازات ویژه‌ای استفاده می‌کنند این امکان وجود دارد که رانت در بلندمدت توجیه‌گر فساد باشد.
- عدم شفافیت و رانت از علل بروز فساد هستند. دیگر علتی که می‌توان به آن اشاره کرد، ضعف نهادهای نظارتی است اعم از نهادهای رسمی مثل دادگاه، بازرسی‌ها و چه نهادهای نظارتی غیررسمی که مطبوعات، احزاب و سمن‌ها هستند؛ می‌توانند بهترین وجه نظارت را داشته باشند و جلوی فساد و رانت را بگیرند. مقررات فسادزا، یکی از عوامل فساد است. وقتی قوانین به گونه‌ای تنظیم می‌شوند که به راحتی می‌توان از آنها سوءاستفاده کرد و مرتکب قانون‌گریزی شد، مظاهر فساد را شاهد خواهیم بود.
- نباید به ادعای جریان‌های سیاسی همچون شایسته‌سالاری و... توجه کنیم. جریان سیاسی که مدعی شایسته سالاری است باید در سیاست خود، از استقلال دستگاه قضایی دفاع کند، در راستای تقویت نهادهای مدنی حرکت کرده و فقط به شعار اکتفا نکند، بلکه باید مقدماتی را که به تحقق شعارها منجر می‌شود، فراهم کند. هر حزب و گروه و شخصیت سیاسی که خود را طرفدار آزادی، عدالت یا شایسته‌سالاری می‌داند، باید با مقدمات آن موافقت کند. موافقت با مقدمات به این معناست که با ایجاد موازنه قوا بین دولت و ملت و گروه‌های مختلف، تقویت نهادهای مدنی، آزادی رسانه‌ها و مطبوعات و... در نهایت به شایسته‌سالاری و عدم فساد منجر شود. نگاه سلبی به این مقدمات از سوی اشخاص، احزاب و جریان‌های سیاسی، هم فرد و هم جامعه را به سمت فساد حرکت می‌دهد.
- جامعه‌ای که در آن عدم اعتماد وجود دارد به هر چیزی با سوء ظن نگاه می‌کند. شاید واقعا فرزند یک شخصیت سیاسی توانایی‌ها و صلاحیت‌های لازم را داشته باشد که در موقعیتی قرار گیرد، اما چون در جامعه‌ای اعتمادی را شاهد هستیم و مصادیقی وجود داشته است که افراد بدون داشتن شایستگی و به صرف وابستگی به یک شخص یا جریان به موقعیت خوب و مناسبی دست یافته‌اند در نتیجه مواردی هم که شایستگی دارند، مورد تردید قرار می‌گیرند. پذیرفتنی نیست که یک مقام سیاسی یا دولتی چند فرزند داشته باشد و همه آنها در موقعیت‌های ویژه قرار گرفته باشند؛ وجود چنین مواردی گویای این است که از موقعیت و منصب سیاسی سوءاستفاده شده است.
- نبود احزاب یک وجه قضیه در مساله سوءاستفاده از مقام و جایگاه‌های سیاسی است. خلأ ساختارهایی که موازنه قوا را ایجاد کند، یکی دیگر از مسائل است. از طرفی مردم باید از طریق نهادهای مدنی متشکل شده باشند، دستگاه قضایی و بازرسی، مستقل عمل کند، در غیاب اینها؛ اگر فقط احزاب مسوول باشند چه بسا آنها نیز از واقعیت خود فاصله گیرند و با سازش با یکدیگر به چپاول سرمایه‌های مردم اقدام کنند. احزاب در کنار سایر نهادهاست که می‌توانند نقش شایسته خود را ایفا کنند.
- مبارزه با فساد به موارد قانونی محدود نمی‌شود. زیرا سیستمی که برای مبارزه با فساد اراده کند، به یک شیوه بسنده نمی‌کند. باید تغییر مقررات و نظارت‌های مدنی صورت گیرد، مثلا در خصوص امتیازات و واگذاری‌های غیرقانونی، افشاگری رسانه‌ها و مطبوعات بسیار موثرتر و کارسازتر است. در دادگاه‌ها شفافیت رعایت نمی‌شود. اگر امکان دسترسی به اطلاعات به ویژه برای رسانه‌ها فراهم باشد از وقوع بسیاری از مفاسد در جامعه جلوگیری می‌شود. اگر فقط به دستگاه قضایی بسنده کنیم، نتیجه نمی‌گیریم.
- برای رفع این مشکل باید از طریق رسانه‌ها، احزاب، گروه‌ها و حتی گروه‌هایی مسوول مبارزه با مظاهر رانت و فساد در جامعه هستند، باید اقدام کرد؛ زمانی که این بسترها مهیا نشود، امکان ندارد که مبارزه با فساد به سرانجام برسد. از طرفی نظارت‌های رسمی همان‌طور که اشاره شد باید مستقل و قدرتمند باشند. شفافیت و دسترسی به اطلاعات، رکن اصلی مبارزه با فساد است. فساد بیش از هر چیز در نظام‌هایی شکل می‌گیرد که از دسترسی آزاد به اطلاعات جلوگیری می‌شود. قوانین و مقررات فسادزا باید از میان برود و به جای آن قوانین و مقررات مناسب و با ضمانت اجرایی بالا باید برای مبارزه با فساد تدوین شود. باید زمینه‌های رانت با به حداقل رساندن ارایه مجوزها و از میان برداشتن امضاهای طلایی برچیده شود تا زمینه‌های سلامت فعالیت‌های سیاسی و دوری از مظاهر فساد در ساختار کشور اعم از رسمی - غیررسمی و سیاسی -اقتصادی و... برچیده شود.

گزارش روز

دیدار ۲ روحانی اصلاحات

عبدالله نوری به عیادت علی‌اکبر محتشمی‌پور رفت

مجتبی حسینی

همکاری اوایل انقلاب

محتشمی‌پور هرچند از نجف با امام بود اما فعالیت سیاسی او و نوری پس از انقلاب با سرپرستی در صدا و سیما آغاز شد. از سال ۵۹ تا ۶۳ هر دو عضو شورای سرپرستی صدا و سیما شدند. هرچند عبدالله نوری بعد از صداوسیما به وزارت خارجه و بعد هم به سپاه رفت و محتشمی‌پور سفیر ایران در سوریه شد. اما پس از چندی دوباره این دو روحانی سرشناس جا پای یکدیگر گذاشتند.

دو روحانی؛ «عبدالله نوری و علی‌اکبر محتشمی‌پور» بازهم به هم رسیدند اما نه چون همیشه در کوچه پس کوچه‌های سیاست که در بیمارستان آراد تهران. جایی که نوری به عیادت محتشمی‌پور رفت تا از رفیق قدیمی‌اش بپرسد: شیخنا کیف حالک. این دو روحانی پرآوازه نه برای اهل و عیال سیاست که برای مردم کوچه و بازار به ویژه نسل اول و دومی‌های انقلاب نام‌آشنایند و شناخته شده. اسم‌شان که می‌آید کسی دیگر از تبار فکری و سیاسی و سوابق‌شان سوال نمی‌پرسد. هر چه باشد در عالم انقلابی‌گری و سیاست ورزی، کهنه‌کارند و پر سابقه. خط امامی‌اند و انقلابی. هر دو مُهر و مِهر امام انقلاب را در سینه و بر احکام حکومتی خَود دارند. این اما همه شباهت‌های‌شان نیست. چه آنکه هر دو اشتراکات دیگری هم دارند؛ از «مسوولیت»های مشابه تا «مخالفان» مشابه و از «بحران»های مشترک تا «سرنوشت» مشترک. هرچه باشد هر دو از یک طایفه فکری‌اند و مخرج مشترک سیاسی‌شان یک چیز است؛ «اصلاحات».

شورای سرپرستی صدا و سیما و مجلس

محتشمی‌پور هرچند از نجف با امام بود اما فعالیت سیاسی او و نوری پس از انقلاب با سرپرستی در صدا و سیما آغاز شد. از سال ۵۹ تا ۶۳ هر دو عضو شورای سرپرستی صدا و سیما شدند. هرچند عبدالله نوری بعد از صداوسیما به وزارت خارجه و بعد هم به سپاه رفت و محتشمی‌پور سفیر ایران در سوریه شد. اما پس از چندی دوباره این دو روحانی سرشناس جا پای یکدیگر گذاشتند. محتشمی‌پور در مجلس سوم نماینده مردم تهران شد و نوری نماینده امام در سپاه پاسداران شد. این دو البته هرگز در مجلس با یکدیگر همکار نشدند. عبدالله نوری در انتخابات مجلس پنجم در سال ۷۴ از تهران به مجلس راه یافت و تنها ۱۱ رای کمتر اجازه نداد تا او رییس مجلس شود. اگر عبدالله نوری در مجلس پنجم به عنوان رییس فراکسیون اقلیت (چپ‌های اسلامی) انتخاب شد، سید علی‌اکبر محتشمی‌پور هم در مجلس ششم ریاست فراکسیون دوم خرداد را پذیرفت تا از این جهت این دو روحانی سوابق و تجربیاتی مشترک داشته باشند.

وزارت کشور؛ تجربه مشترک

کارنامه سیاسی و مسوولیتی سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور و عبدالله نوری جدای از تجربه مشترک نمایندگی مجلس و ریاست فراکسیون چپ‌ها یک تجربه مشترک دیگر هم دارد؛ «وزارت کشور». محتشمی‌پور در دولت سوم جمهوری اسلامی از سوی میرحسین موسوی برای تصدی وزارت کشور به مجلس معرفی شد و سکان وزارت را برعهده گرفت. او تا سال ۶۸ و پایان عمر دولت سوم هم وزیر باقی ماند. هرچند لابی‌های بسیاری از سوی جناح راست صورت گرفت تا محتشمی‌پور در مجلس نتواند رای اعتماد بگیرد اما در نهایت حمایت امام از او باعث شد او تا آخرین روز دولت جنگ مسوولیت وزارت کشور را بر عهده داشته باشد؛ ماجرایی که برای عبدالله نوری در وزارت کشور کاملا متفاوت شد. نوری پس از آنکه هاشمی رفسنجانی رییس‌جمهور شد به وزارت کشور رفت. حضور او در وزارت کشور سبب تحولاتی در خور توجه شد؛ ادغام شهربانی، ژاندارمری و کمیته‌های انقلاب اسلامی و ایجاد نیروی انتظامی از اقدامات دوران وزارت عبدالله نوری است. او تا پایان دولت اول هاشمی‌رفسنجانی در وزارت کشور بود. در دولت دوم هاشمی اما با فشار جناح راست و چرخش هاشمی، نوری از کابینه دوم دولت سازندگی جا ماند تا بشارتی جای او را بگیرد. ناطق نوری در خاطراتش از چرایی عدم معرفی دوباره نوری برای پست وزارت کشور اینگونه روایت کرده است: در دوره چهارم، نمایندگان مجلس، در زمان آقای هاشمی، طی نامه‌ای از ایشان خواستند تا آقای عبدالله نوری را به عنوان وزیر کشور معرفی نکند، من هم مدارکی خدمت آقای هاشمی دادم و خواستم که عبدالله نوری به مجلس معرفی نشود که ایشان هم پذیرفتند.

چهار سال بعد با روی کارآمدن دولت اصلاحات، عبدالله نوری که نماینده تهران در مجلس پنجم بود، از سوی محمد خاتمی به عنوان وزیر پیشنهادی به مجلس معرفی شد و رای اعتماد گرفت. حضور دوباره او در وزارت کشور باز هم مورد انتقاد راستگرایان قرار گرفت و پرحاشیه شد. طرح استیضاح او موضوعی بود که بارها و بارها در دستور کار نمایندگان قرار گرفت و در نهایت ۱۰ ماه پس از وزارتش در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۷۷ با رای ۱۳۷ نفر از ۲۷۰ نماینده حاضر در جلسه استیضاح توسط مجلس پنجم برکنار شد.

افزایش آزادی‌های سیاسی و دفاع از غلامحسین کرباسچی شهردار سابق تهران از دلایل استیضاح او به وسیله اکثریت مجلس پنجم بود. ناطق نوری ماجرای استیضاح عبدالله نوری را اینگونه در کتاب خاطراتش بیان کرده است: آقای عبدالله نوری مدتی وزارت کرد، چندین مرتبه هم از او در مجلس سوال شد. معمولا وقتی وزیر پاسخ یک سوال را می‌دهد، می‌نشیند تا نماینده‌ها بیایند نزد او هم حرف بزنند، اما آقای عبدالله نوری یک بار که برای پاسخ به مجلس آمده بود، به محض تمام شدن حرفش، سرش را پایین انداخت و بیرون رفت. این رفتار به خیلی از نماینده‌ها برخورد که این خیلی بی‌اعتنا حرف زد و بیرون رفت. روز استیضاح ایشان، وقتی صحبتش تمام شد، من را نگاه کرد و گفت: «حالا امروز باید بنشینم یا بروم؟» من گفتم: «نه اتفاقا امروز، روز رفتن است». بعد روزنامه‌ها تحلیل کردند که رییس مجلس از اول می‌دانست که آقای نوری رأی نمی‌آورد، لذا گفت: «امروز، روز رفتن است». من در صحبتی گفتم: «این که من گفتم امروز، روز رفتن است» نه به این معنا که وزیر نشوی، منظور این بود که امروز دیگر بعد از صحبت نباید بنشینی، چون رای‌گیری است و در رای‌گیری خود وزیر نباید بنشیند.» تفسیر مطبوعات چنین بود که آقای ناطق از اول می‌دانسته و سناریو به رهبری او تنظیم شده بود. شعارهایی علیه مجلس و شخص من داده شد از جمله: «مجلس استبداد، مجلس زوری» یا «مجلس زوری نمی‌خواهیم، ناطق نوری نمی‌خواهیم.»

روزنامه‌داری نوری و محتشمی‌پور

عبدالله نوری و سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور پس از کسب تجربیات متعدد در مجلس و دولت انتشار روزنامه و آگاه‌سازی افکار عمومی را در صدر رفتار سیاسی خود قرار دادند. نوری هرچند پیش از انتشار روزنامه در نخستین دوره انتخابات شورای شهر و روستا از تهران کاندیدا شد و به عنوان منتخب اول به شورای شهر تهران راه یافت اما روزنامه خرداد را تاسیس کرد و سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور هم روزنامه بیان را منتشر کرد تا این دو عضو سرشناس مجمع روحانیون مبارز سهم ویژه‌ای در روزنامه‌های دوم خردادی داشته باشند. روزنامه خرداد عبدالله نوری بی‌محابا به بررسی و تحلیل بحران‌های دولت سید محمد خاتمی همچون قتل‌های زنجیره‌ای پرداخت. روزنامه‌ای که جناح راست توان تحمل آن را نداشت تا آنکه کیفرخواست ۴۴ صفحه‌ای علیه وی را تنظیم و از سوی دادگاه ویژه روحانیت فراخوانده شد و پس از چندین جلسه محاکمه و دفاع، و بنابر اتهام‌هایی مانند توهین به مقدسات، نشر اکاذیب، اقدام علیه امنیت ملی و نظایر اینها، در دادگاه ویژه روحانیت محاکمه و به ۵ سال زندان محکوم شد. روزنامه بیان سید علی‌اکبر محتشمی‌پور شاید به تند و تیزی روزنامه خرداد نوری نبود اما در ماجرای توقیف فله‌ای روزنامه‌های دوم خردادی سرنوشتی بهتر از روزنامه خرداد نداشت.

تفاوت‌های دو روحانی

عبدالله نوری و سید علی‌اکبر محتشمی‌پور هر چند شباهت‌هایی بسیاری به هم دارند اما تنها نقطه تمایز آنان در ماجرای مرتبط با نهضت آزادی است و حضور در یکی دو برنامه مهم پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶. جایی که محتشمی‌پور همیشه مخالفت فعالیت سیاسی نهضت آزادی و اعضای آن بود و عبدالله نوری موافق فعالیت‌های آنان. از سوی دیگر محتشمی‌پور برخلاف نوری توانست پس از اعلام رسمی بستری شدن آیت‌الله خامنه‌ای در بیمارستان به ملاقات ایشان برود و در مراسم تنفیذ حسن روحانی حضور پیدا کند. هرچند این دو روحانی سرشناس اصلاح‌طلب با وجود تفاوت این تک اختلاف سیاسی و موقعیتی در ماجرای انتخابات ۸۸ بازهم سرنوشتی مشابه داشتند. نوری با وجود درخواست ادوار تحکیم وحدت و دفتر تحکیم وحدت و تعدادی از روزنامه‌نگاران در نهایت از حضور در انتخابات انصراف داد و سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور ریاست ستاد انتخاباتی مهدی کروبی را برعهده‌داشت و پس از پایان انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ کمیته صیانت از آرای کروبی را عهده‌دار شد و در نهایت همین مساله منجر به کنارگذاشتن وی از دبیرکلی کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه مردم فلسطین شد تا این چهره پر سابقه و از موسسین حزب‌الله لبنان پس از انتخابات ۸۸ ایران راهی نجف شود. حالا دو روحانی نامدار اصلاحات پس از فراز و فرودهای بسیار به هم رسیده‌اند اما با شرایطی بسیار متفاوت از دهه ۶۰. باید دید با بازگشت اصلاح‌طلبان به قدرت و بهبود دم و بازدم اصلاح‌طلبان در اتمسفر سیاسی ایران آیا عبدالله نوری و سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور برای تثبیت و بهبود موقعیت و وضعیت اصلاح‌طلبی فعالیت‌های سیاسی خود را از سر می‌گیرند یا آنکه بازهم در روی همان پاشنه از ۸۸ به این سو برای آنان می‌چرخد؟

سوژه روز

عذرخواهی مهدی چمران از موتلفه

درگیر شورا بودم؛ به انتخابات ریاست‌جمهوری ورود نکردم

گروه احزاب

مهدی چمران، دوران تازه‌ای را آغاز کرده است؛ دورانی که پس از شکست در جلب رای مردم تهران آغاز شده است. او که سال‌ها بر کرسی ریاست شورای شهر تهران نشسته بود و رفیق گرمابه گلستان دو شهردار اصولگرا به نام‌های محمود احمدی‌نژاد و محمد باقر قالیباف بود حالا مانند آن دو از گردونه قدرت خارج مانده است. البته چمران باید ۴ سال آینده را به‌عنوان عضو علی البدل در شورای تهران سر کند؛ جایی که البته مطلوبش نیست.

او این روزها بیشتر پاسخ رسانه‌ها را می‌دهد و پای مصاحبه می‌نشیند. برخلاف دوران ریاستش بر شورای شهر که عادت به سخنرانی داشت حالا کمی پاسخگو شده است. او در هفته جاری طی مصاحبه‌ای با روزنامه اعتماد ضمن دفاع قاطع از احمدی‌نژاد و قالیباف اظهارات تندی علیه مصطفی میرسلیم، کاندیدای حزب موتلفه در انتخابات ریاست‌جمهوری داشت که باعث شد در مصاحبه‌ای دیگر نسبت به آن اظهارات از این حزب عذرخواهی کند. چمران در مصاحبه با روزنامه اعتماد گفته بود: به دست آوردن ۱۶ میلیون رای یکدست بعد از آن همه اختلاف‌ها و انشقاق‌های گذشته در مجموعه اصولگرایی و ۴۰۰ هزار رای آقای میرسلیم واقعا اهمیت داشت تا به موتلفه‌ای‌ها بگوییم اینقدر که می‌گویید ما حزب هستیم و قدیمی هستیم و رای داریم، این ۴۰۰ هزار تا رای شماست! من واقعا خوشحال هستم که آقای میرسلیم از انتخابات کنار نرفت؛ آقای رییسی هم بعد از انتخابات گفت الحمدلله که آقای میرسلیم کنار نرفت و گرنه بعدا می‌گفت ۱۰ میلیون رای رییسی به خاطر کنار رفتن من بوده است. حالا در پی آن اظهارات او در مصاحبه‌ای با تسنیم گفت: در مصاحبه (با روزنامه اعتماد) هم اشاره‌ای به حزب موتلفه شد که جا دارد از آنان پوزش بطلبم. اما این تنها اظهارات چمران نبود. او با اشاره به مصاحبه اخیرش با روزنامه اعتماد و با تاکید براینکه گفت‌وگویش به درستی بیان نشده، درباره فضای شهرداری در زمان قالیباف و اینکه گفته شده است در زمان احمدی‌نژاد این فضا انقلابی‌تر بود، گفت: در خصوص موضوع مطرح شده اینگونه عنوان کردم، اول که وارد شهرداری شدیم شاهد ورود یک گروه انقلابی به شهرداری بودیم. آغاز هر ورودی با تغییر و تحولات مدیریتی و نظایر آن شروع می‌شود و یک دگرگونی را به وجود می‌آورد. اصولا در این موارد افراد حساس هستند و سعی می‌کنند کار خودشان را بهتر انجام دهند و آنهایی که اهل تخلف‌اند -که ان‌شاءالله کم باشند یا نباشند- در آن شرایط سعی می‌کنند ساکت باشند. چمران با بیان اینکه بعد از چند سالی که ماندیم این فضا به عادی شدن انجامید و بعد از آن سیر عادی خود را طی کرد و به اینکه چه کسی شهردار باشد یا نباشد چندان مرتبط نمی‌شد، گفت: تفاوتی که می‌خواهم بگویم این است و گرنه چه در زمان آقای احمدی‌نژاد یا قالیباف قطعا و یقینا سعی بر این بود تا هم از سوی شورای شهر و هم از سوی شهرداری جلوی هر تخلفی گرفته شود. میزان تذکراتی که در زمان آقای قالیباف از سوی اعضای شورای شهر مطرح می‌شد نیز موید همین مطلب هست و حتی قطع یک درخت در باغی مورد تذکر قرار می‌گرفت و در شهرداری نیز سعی می‌شد تا تخلفی صورت نپذیرد و با متخلفین برخورد شود.

چمران درباره لقب «رییس‌جمهور ساز» که از سوی برخی رسانه‌ها به او نسبت داده می‌شود و اینکه گفته است «اگر می‌خواستیم آقای قالیباف را رییس‌جمهور کنیم و فشار تبلیغاتی می‌گذاشتیم، می‌توانستیم» توضیح داد: معنی خواستن در این باره گروهی است نه شخصی، می‌خواستیم یعنی کل جامعه همفکر و همسو و متفق می‌شدند انجام شد. حتی اسم آوردم آقای حداد عادل، آقای ولایتی، آقای جلیلی و همه نیروهای هواداران‌شان اگر می‌خواستیم مشخص بود که می‌توانستیم در چنین شرایطی آقای قالیباف رییس‌جمهور شوند. رییس سابق شورای شهر تهران در ادامه درباره نواصولگرایی که از سوی قالیباف مطرح شده است، گفت: نواصولگرایی را اینگونه ترجمه کردیم که هر فکر و ایده‌ای باید دایما در حال نو شدن و ارتقا باشد. روایتی است که اگر امروزمان با فردای‌مان یکی باشد دچار خسران و ضرر شدیم. حتما باید امروزمان با فردای‌مان متفاوت باشد. برداشت من از نواصولگرایی به عنوان یک تفکر جدید این است که یک فضای جدیدی برای همه اتفاق بیفتد. اگر همه توقف کنند و سر جای‌شان بنشینند پیشرفتی نکنند یقینا کسی به جایی نخواهد رسید.

چمران به فصل انتخابات ریاست‌جمهوری که می‌رسید خود را از چرخه تصمیمات اصولگرایان خارج نشان می‌دهد. او معتقد است چون آن ایام در شورای شهر حضور داشته چندان ورودی به موضوع ریاست‌جمهوری نداشت در حالی که او عضو موثر جمنا بود. به نظر می‌رسد برخی چهره‌های اصلی اصولگرایان تلاش می‌کنند خود را بیرون از چرخه تصمیمات نشان دهند تا مسوولیت کمتری در قبال شکست داشته باشند. چمران درباره مشورت با قالیباف در انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: در مورد انتخابات ریاست‌جمهوری به صورت عمومی مشورت می‌کردیم. بیشتر موضوعات مشورتی ما با قالیباف در خصوص شهرداری و مسائل آن بود و نه انتخابات ریاست‌جمهوری. مثلا کناره‌گیری ایشان به نفع کاندیدای دیگر در انتخابات ریاست‌جمهوری که ایثار بزرگی بود و یک نوع گذشت و مردانگی واقعی را انجام داد مشورتی نداشتیم. اطرافیان با کناره‌گیری ایشان به‌شدت ناراحت بودند و هنوز هم ناراحت هستند چرا که معتقد بودند اگر می‌ماند پیروز می‌شد. در آن مقطع ریاست‌جمهوری چون درگیر کارهای شورای شهر بودم به امور انتخابات ریاست‌جمهوری ورود زیادی نکردم و بیشتر دغدغه من پرداختن به امور شورای شهر تهران بود.

پاسخ و توصیه محمد توسلی به مهدی چمران

شهید چمران واقعی را توصیف کنید؛ دوگانگی برملا می‌شود

حاشیه‌های مصاحبه مهدی چمران با روزنامه اعتماد و واکنش‌ها به اظهارات او محدود به دلخوری حزب موتلفه نمی‌شود و محمد توسلی، رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی نیز نسبت به بیان برخی اظهارات چمران معترض است. او در یادداشتی که برای روزنامه اعتماد ارسال کرده نسبت به آنچه «مطالب خلاف واقع» نامیده، توضیحاتی ارایه کرده است که در ادامه می‌آید:

آقای مهندس مهدی چمران در یک مصاحبه تفصیلی با خبرنگار روزنامه اعتماد که روز یکشنبه ۱۹ شهریور منتشر شد و خبرگزاری ایسنا هم کار کرد؛ ضمن اشاره به سوابق بنده با شهید دکتر مصطفی چمران مطالبی را خلاف واقع مطرح کرده‌اند که ضرور تا توضیحات زیر برای انتشار در روزنامه اعتماد و خبرگزاری ایسنا و آگاهی عموم ارایه می‌شود:

۱- مواضع نهضت آزادی ایران در خصوص جنگ تحمیلی کاملا شفاف و در اسناد نهضت قابل دسترسی است. نهضت آزادی در مرحله تجاوز عراق به خاک ایران، دفاع از تمامیت ارضی ایران را قانونی، مشروع و وظیفه همگانی می‌دانسته و خود نیز در سطوح مختلف به این وظیفه عمل کرده است. حضور دکتر چمران در جبهه جنگ و تاسیس ستاد جنگ‌های نامنظم بخشی از این مشارکت بوده است. نقل این مطلب: که «یک بار یکی از دوستان نهضت آزادی پیش من آمد و گفت قرار نبود دکتر چمران به جنگ برود، گفتم چه کسی چنین قراری را گذاشته بود؟ گفت ما در نهضت این قرار را گذاشتیم». این گزارش خلاف واقع و کذب محض است.

**۲- بعد از پذیرش استعفای بنده از مدیریت شهر تهران در بهمن ماه ۱۳۵۹ برای بازدید از جبهه‌های جنگ و دیدار با شهید دکتر چمران سفری به خوزستان داشتم. اتفاقا در این سفر آقای دکتر کمال خرازی نیز همراه بودند و در تمام جلسات خصوصی که با دکتر چمران داشت